

گزارش «ایران» از نشست «تعاملات شرق و غرب در اندیشه‌های محمداقبال لاهوری»

نسخه صلح برای جهان امروز

اقبال، جنگ را نتیجه عدم توازن میان عقل و عشق می‌دانست



دکتر محمد بقایی ماکان و دکتر حسن فرطوسی برگزار شد و به محفلی برای بازخوانی یکی از مهم‌ترین دغدغه‌های فکری اقبال بدل شد. دغدغه‌ای که در احیای خودآگاهی شرق و بازتعریف نسبت عقل، عشق و هویت، معنا پیدا می‌کند. در این نشست سخنرانان برای نکنه تأکید گذاشتند که اقبال لاهوری همچنان برای زمانه امروز، متفکری زنده است؛ اندیشمندی که نه شرق را به انفعال دعوت می‌کند و نه غرب را به نفی مطلق می‌سپارد، بلکه از ضرورت ساختن انسانی سخن می‌گوید که بتواند میان عقل و عشق، سنت و تجدد و هویت، تعاملی تازه برقرار کند.

مطالعات استراتژیک

اعظم فردوست

گروه اندیشه

یکشنبه ۶ اردیبهشت ماه نشست «تعاملات شرق و غرب در اندیشه‌های محمداقبال لاهوری»، در مجموعه «فرهنگی تلاش»، به همت وزارت تعاون، کار و رفاه اجتماعی و با همکاری انتشارات علمی و فرهنگی و با حضور جمعی از اندیشمندان ایرانی و پاکستانی از جمله دکتر احمد میدری، دکتر احمد مسجدجامعی،

اقبال، جنگ را نتیجه غفلت بشر از معنویت می‌دانست

احمد میدری، وزیر تعاون، کار و رفاه اجتماعی، اندیشه اقبال را فراتر از یک بحث ادبی یا فلسفی دانست و آن را مسیری برای گفت‌وگوی جهانی درباره صلح توصیف کرد. احمد میدری با اشاره به شرایط منطقه و استمرار بحران‌های جنگی، گفت: «صورت مسأله اصلی این نشست این است که چگونه می‌توان به صلحی پایدار دست یافت. جنگ فقط ریشه سیاسی و نظامی ندارد؛ باید از منظرهای عمیق‌تر فرهنگی و فکری هم به آن نگاه کرد.» او افزود: «اقبال معتقد بود جنگ‌هایی مانند جنگ جهانی اول، حادثه‌های تصادفی نبودند، بلکه نتیجه غفلت بشر از معنویت بودند. از نگاه او اگر میان عقل و عشق، میان مادیات و معنویت توازن برقرار نشود، بشر بار دیگر

گزارش

سید حسن موسوی چلک، معاون سلامت اجتماعی

سازمان بهزیستی کشور در گفت‌وگو با «ایران»:

هیچ کودک جنگ‌زده‌ای در بلاتکلیفی نمی‌ماند



از دست داده‌اند، نباید حتی یک روز در بلاتکلیفی بمانند. در یکی از همین موارد، کودکی که والدینش در جریان جنگ شهید شده بودند موقتاً تحت حمایت بهزیستی قرار گرفت.

کودکی که تا تعیین تکلیف نهایی، همه مراقبت‌های اولیه‌اش برعهده مراکز بهزیستی بود، اما بعد از مدت کوتاهی خاله‌اش با مراجعه به مرکز، او را به سرپرستی گرفت و کودک به آغوش خانواده بازگشت.

نایاپدار بحران طراحی شده تا هیچ کودک جنگ‌زده‌ای در خلأ حمایتی رها نشود؛ هر چند به گفته او، تشکل‌های غیردولتی، برخی نهادها و عموم مردم نیز بخشی از زنجیره حمایتی از این

تصریح کرد: «زبان اقبال فارسی است و مطالعاتش سیر تفکر در ایران از زمان زرتشت تا امروز را دربرمی‌گیرد. او ایران را یکپارچه می‌داند و آن را تفکیک نمی‌کند. بسیاری از پژوهشگران هنوز ایران قیل و بعد از اسلام را جدا می‌بینند، اما اقبال درباره ایران سخن می‌گوید: ایرانی یکپارچه که همه تحولات را در خود حفظ کرده است.» مسجدجامعی با اشاره به ظرفیت تاریخی ایران افزود: «اقبال بررسی می‌کند که ایرانیان چگونه داشته‌های پیش از اسلام را حفظ کردند و با آمدن اسلام برآن افزودند. ایران مانند گلی خاص است که عطر و بوی خود را دارد؛ از یونان و مصر و بابل بهره گرفته، اما سلاکله‌اش ایرانی مانده است. ایران یعنی همین؛ یعنی استفاده از همه جهان، اما با هویت خود.»

اقبال: اساساً «متفکری منتقد» است

محمد بقایی‌ماکان، است‌امد ادبیات فارسی و از برجسته‌ترین اقبال‌شناسان، تصویری متفاوت از مواجهه اقبال با غرب ارائه داد؛ تصویری که با برداشت‌های رایج از «غرب‌سنتری» فاصله داشت. او با تأکید بر اینکه اقبال اساساً اهل ستیز نبود، گفت: «اقبال مخاطب خود را به جنگ با غرب دعوت نمی‌کند، بلکه او منتقد غرب است و حتی گاه انتقادش از شرق بیشتر از غرب می‌شود.» بقایی‌ماکان تصریح می‌کند: «اقبال ازجمله متفکرانی است که صرفاً نقد نمی‌کند، بلکه راه‌حل هم ارائه می‌دهد. حرف او این است که انسان شرقی باید ابتدا با اتکا به عقل خود، بسازد، تولید کند و به خودباوری برسد؛ نه اینکه بدون داشتن بنیان، صرفاً در موضع اعتراض قرار گیرد.» او براین رویکرد اقبال هم تأکید گذاشت که «اقبال معتقد است انسان شرقی برای رقابت با غرب باید ابتدا «امن شرقی» خود را تقویت کند. اقبال از بازگشت به خویشتن حرف می‌زند، اما این بازگشت به معنای انزوا نیست، بلکه به معنای ساختن از درون است.»

اقبال منتقد «علم بدون اخلاق» است

حسن فرطوسی، دبیرکل کمیسیون ملی فرهنگی یونسکو، با اشاره به تجربه زیسته اقبال میان شرق و غرب، گفت نگاه او بر پایه خودآگاهی و عزت در تعامل شکل گرفته بود. به گفته او، اقبال از شرق برخاسته بود اما غرب را نیز از نزدیک دیده بود و به همین دلیل، تصویری پیچیده‌تر از نسبت این دو جهان ارائه می‌کرد: «اقبال می‌گفت عقل صرف، بدون عشق شرقی، راه به جایی نمی‌برد. او علم غرب را باشکوه می‌دید، اما همزمان هشدار می‌داد که همان چاقوی جراحی می‌تواند به ابزار کشتار تبدیل شود. نگرانی او همین بود؛ اینکه علم بدون اخلاق و معنویت، به جای نجات انسان، علیه او عمل کند.» او تأکید کرد: «نوع نگاه اقبال مبتنی بر خودآگاهی بود؛ اینکه بدون فراموش کردن خود، وارد تعامل شویم. ما باید از موضع کرامت و عزت وارد گفت‌وگو شویم. نه از موضع ضعف. نگاه اقبال شرقی را به سمت گسترش تعاملات هدایت می‌کند، اما او تأکید داشت که این تعامل باید بر پایه هویت باشد.»



میدری:

اقبال

معتقد بود

جنگ‌هایی

مانند جنگ

جهانی اول،

حادثه‌ای

تصادفی

نبودند،

بلکه نتیجه

غفلت بشر

از معنویت

بودند. از

نگاه او اگر

میان عقل و

عشق، میان

مادیات و

معنویت

توازن برقرار

نشود، بشر

بار دیگر

با پدیده

جنگ روبه‌رو

خواهد شد

اندیشه - گزارش

نامه دوم آیت‌الله محقق داماد به پاپ لئو و ستایش مواضع ضدجنگ واتیکان

ایستادگی شما تضاد «معنویت اصیل»

و «سیاست آلوده» را آشکار کرد

راهبر

گروه‌اندیشه

آیت‌الله دکتر سیدمصطفی محقق داماد، استاد حقوق دانشگاه شهید بهشتی و رئیس گروه مطالعات اسلامی فرهنگستان علوم، در نامه دوم خود به «پاپ لئو»، رهبر کاتولیک‌های جهان، با ایراز امتنان از موضع حق‌طلبانه پاپ در نفی خشونت، ایستادگی او در برابر طبل‌نوازان جنگ را نقطه عطفی در تاریخ معاصر خواند و از برخی اسقف‌ها و کاردینال‌های کلیسا به دلیل تأکید بر اصول اخلاقی و «نظریه جنگ عادلانه» سپاسگزاری کرد.

ایستادگی شجاعانه در برابر طبل‌نوازان جنگ

نامه آیت‌الله محقق داماد به پاپ لئو، حاوی قدرانی از پاپ و نیز درخواست ابلاغ سپاس به دو تن از مقامات ارشد کلیسای کاتولیک اسقف تیموتی بروگلیو (اسقف ارتش ایالات متحده) و کاردینال رابرت مک‌الروی است. او با اشاره به نامه پیشین خود، مورخ ۲۰ مارس ۲۰۲۶ و تشکر از عنایت پاپ، می‌نویسد: «ایستادگی شجاعانه شما در برابر طبل‌نوازان جنگ، بار دیگر تضاد میان «معنویت اصیل» و «سیاست آلوده» را آشکار کرد.» او تأکید می‌کند که شنیدن صدای همسوی زیمجموعه پاپ، نشان از حیات اخلاقی در کالبد کلیسا دارد: «اینکه مقامات ارشد کاتولیک با تکیه بر اصول اخلاقی و نظریه جنگ عادلانه» (Just War Theory) شجاعانه بر غیرمشروع بودن این جنگ‌های تحمیلی تأکید ورزیده‌اند، نشان از حیات اخلاقی در کالبد کلیسا دارد.»

جبهه‌بندی‌های نا عادلانه، آتش جنگ را علیه ایران شعله‌ور کردند

رئیس گروه مطالعات اسلامی فرهنگستان علوم در نامه خود به تهاجمات آمریکا و اسرائیل علیه ایران اشاره می‌کند و می‌افزاید: «بسیار تأمل‌برانگیزو مایه تأسف است که شاهد جبهه‌بندی‌های نا عادلانه‌ای از سوی دولت‌های متجاوز هستیم که نقض آشکار موازین بین‌المللی، آتش جنگ را علیه ایران شعله‌ور کرده‌اند. این تهاجمات نه‌تنها به تخریب گسترده منازل صلح‌جویان و نابودی آثار باستانی و میراث

شبکه رسمی بهزیستی و سایر نهادها، بخشی از زنجیره حمایتی کودکان در شرایط بحران است.»

موسوی چلک با بیان اینکه بهزیستی در این مسیر تنها نیست، می‌گوید: «در مورد این گونه کودکان، همان‌طور که خود ما در بهزیستی اعلام آمادگی کردیم، تشکل‌های غیردولتی که از بهزیستی مجوز فعالیت دارند نیز پای کار آمدند. علاوه بر آن، سایر مراکز فعال در سراسر کشور هم با هماهنگی بهزیستی اعلام آمادگی کرده‌اند که حمایت از این کودکان را برعهده بگیرند.»

به اعتقاد معاون سلامت اجتماعی سازمان بهزیستی، این همراهی کمترین کاری است که می‌توانیم در قبال مردم، بویژه این گروه از جامعه انجام دهیم.

تاب‌آوری روانی

بخش دیگری از مداخله بهزیستی در بحران، بر سلامت روان کودکان و خانواده‌ها متمرکز است؛ موضوعی که موسوی چلک آن را جزو «اقدامات تاب‌آوری» می‌داند: «اگر کودکانی باشند که تحت‌تأثیر جنگ، نیازمند دریافت خدمات مشاوره باشند، غیر از خط تلفنی ۱۴۸۰، صدای مشاور سازمان بهزیستی که به صورت شبانه‌روزی و رایگان فعال است، مراکز مشاوره دولتی نیز به‌طور رایگان در اختیار مردم قرار دارد.»

او توضیح می‌دهد: «در مرکز استان‌ها، مراکز مشاوره دولتی فعال هستند و در

بازگشت ۴ هزار کودک به خانواده

رویکرد خانواده‌محور در سیاست‌های بهزیستی فقط محدود به دوران بحران نیست، اما در چنین شرایطی اهمیت بیشتری پیدا می‌کند. موسوی چلک با ارائه آماری از وضعیت کودکان تحت پوشش بهزیستی می‌گوید: «قبل از جنگ حدود ۱۰ هزار کودک در مراکز بهزیستی بودند.

در حال حاضر به واسطه رویکرد خانواده‌محوری که اولویت اصلی ما در حمایت از کودکان است، حدود ۴ هزار کودک را به خانواده‌ها تحویل داده‌ایم و حدود ۶ هزار و ۳۰۰ نفر در مراکز ما حضور دارند.» او با بیان اینکه این واگذاری‌ها در قالب‌های مختلفی انجام می‌شود، می‌گوید: «خانواده مزیمان، خانواده امین موقت، فرزندخواندگی، بازپیوند به خانواده زیستی یا اعطای خصوصی به اقوام در شرایط بحران، از جمله سازوکارهایی است که اجرا می‌کنیم و خانواده‌ها می‌توانند از آنها استفاده کنند.» موسوی چلک البته به یک نکته مهم هم اشاره می‌کند: «معمولاً وقتی اقوام، کودکان را برای یک ماه مرخص می‌برند، ممکن است بخشی از آنها به مرکز بازگردند. اما سیاست ما این است که خانواده‌هایی که شرایط لازم را دارند و طبق قوانین و مقررات کشور در سامانه ملی فرزندخواندگی پرونده تشکیل داده‌اند و صلاحیت‌شان بررسی شده، در اولویت دریافت سرپرستی قرار بگیرند. همه ویژگی‌هایی که طبق قانون برای واگذاری کودک به خانواده لازم است، دقیقاً مدنظر قرار می‌گیرد.»